



Critical Analysis of the Allegations of Violence against the Prophet Muhammad (P) from the Perspective of Orientalists *

Mohsen Khoshfar ¹ and Mina Sadat Hosseini ² and Parvin Akhtarian ³

Abstract



In today's world, similar to the time of the noble Prophet (P), some Orientalists, due to prejudice or ignorance, have accused the Prophet of employing violence and force in propagating the faith, either to undermine Islam or to foment Islamophobia. Examining and addressing these allegations is essential to demonstrate the true essence of Islam and its expansion. These allegations can be summarized in three axes: the establishment and propagation of Islam based on force, warfare and jihad, and the implementation of severe rulings. This article, adopting an intrinsic approach of Orientalists, explicates and critically analyzes the first axis (the accusation of violence and force in the expansion of Islam). This is accomplished through an inferential method and by appealing to the Quran to refute these allegations, drawing upon Quranic evidence from various commentaries. The findings and Quranic evidence indicate the following regarding the refutation of the misconception of the Prophet's violence in propagating Islam: 1. The compassionate character of the Prophet, manifested through gentleness, forgiveness, and harmonious interactions even with non-Muslims, has been the paramount factor in the propagation of Islam; 2. The Prophet's call was rooted in wisdom, eloquence, and good persuasion, containing elements of admonition, glad tidings, and a message of liberty. The Messenger of Mercy progressively implemented this content and approach in accordance with the audience and circumstances, starting with mercy and adapting to necessity, culminating in the final option of violence and combat against the obstinate, as a defensive measure to safeguard Islam and Muslims against the conspiracies of hostile adversaries. Therefore, even the final option is, within the holistic order of the world, an act of mercy for all, as it upholds order in society. Consequently, none of the axes of allegations of violence against the Prophet constitute instances of brutality. Contrary to Orientalist views, the expansion of Islam did not and does not necessitate or rely upon the sword, coercion, or compulsion.

Keywords: Prophet of Islam, Preaching, War, Violence in Islam, Messenger of Mercy, Orientalists, Quran.

*. **Date of receiving:** 10 December 2022 ; **Date of correction:** 29 January 2023; **Date of approval:** 16 April 2023.

1. Assistant Professor, Department of Hadith Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (mohsenkhoshfar@imam.miu.ac.ir)

2. 4th-Level Student of Comparative Exegesis, Fatima al-Zahra (AS) Higher Education Institute, Isfahan, Iran (Corresponding Author): (ms.hosseini89@yahoo.com)

3. 4th-Level Student of Comparative Exegesis, Fatima al-Zahra (AS) Higher Education Institute, Isfahan, Iran. (parvin.akhtarian1@gmail.com)



تحلیل انتقادی اتهام خشونت به پیامبر (ص) از دیدگاه مستشرقان*

محسن خوش فر^۱ و مینا سادات حسینی^۲ و پروین اختریان^۳



چکیده

در جهان امروز، مانند زمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله، بعضی از مستشرقان، مغرضانه یا به خاطر ناآگاهی برای ضربه زدن به اسلام و ایجاد اسلام‌هراسی، پیامبر را به خشونت و زور در تبلیغ دین، متهم کرده‌اند. بررسی این اتهامات و پاسخ بدانها برای نشان دادن چهره واقعی اسلام و گسترش آن امری ضروری است. این اتهامات، در سه محور خلاصه می‌شود: تأسیس و تبلیغ اسلام بر اساس زور، جنگ و جهاد، احکام سخت اجرایی. مقاله حاضر با توجه به رویکرد درون دینی مستشرقان، بی‌اساسی محور اول (اتهام زور و خشونت در گسترش اسلام) را تبیین و تحلیل کرده است، به گونه‌ای که با روش استنتاجی و به نطق آوردن قرآن در مورد این اتهام و رد آن، دلایل قرآنی را برگرفته از تفاسیر، تحلیل کرده است؛ یافته‌ها و ادله قرآنی به دست آمده درباره رد شبهه خشونت پیامبر اکرم برای تبلیغ اسلام، عبارت است از: ۱. شخصیت رحمانی پیامبر با نمودهایی مانند نرم‌خویی، گذشت و حسن معاشرت حتی با غیر مسلمانان، مهمترین عامل برای تبلیغ اسلام بوده است؛ ۲. دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله بر بصیرت و تفکرافزایی، حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن استوار بوده و محتوای آن نیز علاوه بر انداز، بشارت آفرین و حاوی پیام آزادی بوده است. رسول رحمت این محتوا و روش دعوت را بر اساس مخاطب و زمان و... گام به گام اجرایی کرد؛ در ابتدا رحمت و بنا به ضرورت و پس از اتمام حجت، آخرین حربه، خشونت و جنگ با معاندان، را در پیش می‌گرفت تا در مقابل توطئه‌های دشمنان معاند، دفاعی برای حفظ اسلام و مسلمانان باشد. بنابراین آخرین حربه هم، در نظام کلی عالم، رحمتی است برای همگان زیرا نظمی را در جامعه حاکم می‌کند؛ از همین رو هیچ کدام از محورهای اتهام خشونت به پیامبر از مصادیق خشونت نیست و برخلاف نظر مستشرقان، گسترش اسلام به برندگی شمشیر و زور و اجبار نیازی نداشته و ندارد.

واژگان کلیدی: پیامبر اسلام، تبلیغ، جنگ، خشونت در اسلام، پیامبر رحمت، مستشرقان، قرآن.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷.

۱. استادیار گروه علوم حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم: ایران: mohsenkhoshfar@imam.miu.ac.ir

۲. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی فاطمه الزهراء (س)، اصفهان: ایران «نویسنده مسئول»: ms.hoseini89@yahoo.com

۳. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی فاطمه الزهراء (س)، اصفهان: ایران: parvin.akhtarian1@gmail.com



مقدمه

قرآن، معجزه جاوید پیامبر اسلام، پیغام رسان هدایت بشر به سوی حیات طیبه است. بر اساس باورهای بنیادی مسلمانان، اسلام کامل ترین دین در همه جنبه ها، برای تمام بشریت است و از همین رو، بهترین و جامع ترین دستورات فردی و اجتماعی را برای سعادت به بشر ارائه کرده و دین خاتم است و پیام آور آن، در هر زمینه ای برترین الگو برای حق طلبان است؛ (احزاب/۲۱؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق: ۱۶/۲۸۸-۲۸۹)؛ اما در این میان از همان ابتدای رسالت پیامبر ﷺ دشمنان اتهامات فراوانی مانند مجنون و ساحر (ذاریات/۵۲)، زودباور (توبه/۶۱) و... به ایشان زده اند. خدا با نزول آیاتی همه آن تهمت ها را از ساحت پیامبرش دفع کرده است. اکنون نیز گروهی از روی غرض یا ناآگاهی در مورد دین اسلام و به ویژه شخصیت پیامبر ﷺ نسبت هایی ناروا بیان می کنند و برخی از آنها برای گفته های خود دلایلی می آورند، از جمله برخی مستشرقان در این زمینه قلم زده اند - گرچه در بین آنها، برخی منصفانه عمل کرده اند - و چه بسا شبهات و دیدگاه نقادانه آنها در مورد اسلام، به عنوان حقیقت اسلام به غیرمسلمانان و حتی برخی از مسلمانان ناآگاه، عرضه شود و مغرضان را به اهداف خود یعنی تضعیف مبانی و اصول اسلام و ضربه زدن به اسلام، برساند.

در میان انبوه اتهاماتی که به دین اسلام از جنبه های مختلف وارد شده است، شبهاتی وجود دارد که طبع آرامش خواه آدمی را تحت تأثیر قرار می دهد؛ شبهاتی که چهره اسلام را خشن نشان داده و وجود رحمانی نبی اکرم ﷺ، به عنوان پیام آور دین رحمت نادیده گرفته و در پی آن عده ای به دلایل مختلف، عامدانه و یا غیرعامدانه با دست آویز قراردادن دلایل درون دینی و برون دینی - بر اساس مصادیقی مانند تبلیغ با زور و شمشیر، جنگ های مکرر و احکام و قوانین جزایی در سیره پیامبر و دستورات اسلام - سعی می کنند تصویر فردی خشونت طلب از پیامبر به جهانیان ارائه دهند تا از گسترش اسلام جلوگیری کنند و یا حداقل در اذهان، نسبت به حقانیت اسلام تردید ایجاد کنند؛ از همین رو اهانت به وجود مقدس نبی اکرم ﷺ، به ویژه در سال های اخیر مکرر دیده می شود.

در پیشینه موضوع شخصیت و سیره پیامبر به خصوص اتهام خشونت به پیامبر کتب و مقالاتی غیرمنصفانه، به تحریر درآمده که تعدادی از این نوشته ها به صورت مقاله در دایره المعارف لیدن موجود است از جمله: «جهاد» از الا لانداتاسرون، «محمد» از یوری روبین، «تعامل پیامبر با یهود مدینه» از مارکو شولر و... به دلیل نقدهای جدی که به آنها وارد است، عده ای را بر آن داشته تا در دفاع از جایگاه پیامبر اکرم، دست به قلم شوند و آثاری را تألیف کنند، از جمله:

- کتاب‌های «محمد در اروپا» نوشته مینو صمیمی، «محمد و قرآن» نوشته پارت، «محمد در مکه، محمد در مدینه، محمد پیامبر سیاستمدار» اثر مونتهگمری وات (۱۹۰۹ م-۲۰۰۶ م)، «محمد رسول خدا» از آنه ماری شیمل (۱۹۲۲ م-۲۰۰۳ م)، و کتاب «رحمت نبوی، خشونت جاهلی» اثر صابر اداک، بیان گر آن است که اسلام و پیامبر هیچ‌گاه در راستای گسترش دین آغازگر جنگ نبوده، و درصدد گسترش مکارم اخلاق و تربیت انسان‌ها با توجه به کرامت و اختیار آنها بوده است.

- مقالات «جهاد» الا لانداتاسرون در دایره‌المعارف لیدن، که احمد مرادخانی در آن اتهام تناقضات آیات جهاد و مفهوم جهاد را مورد نقد و بررسی قرار داده است. «نقد دیدگاه مستشرقان درباره جنگ‌های پیامبر اعظم با رویکرد قرآنی»، از حسین عبدالحمیدی که با رویکردی قرآنی نظریه دفاعی بودن جنگ‌ها را بررسی و تقویت کرده است. «سنت پیامبر اعظم از منظر مستشرقان»، شبهاست مستشرقان را در زمینه امور اعتقادی و سیره اخلاقی و رفتاری پیامبر پاسخ داده است؛ چنان‌که مقاله «نقد دیدگاه مارکو شولر درباره تعامل پیامبر با یهود مدینه» دیدگاه شولر را مبنی بر اخراج یهود از مدینه به‌خاطر اسلام‌نیاوردن آنها، نقد کرده است. مقالات «تأملی در اتهام خشونت به پیامبر اعظم» و «خشونت آخرین راهکار اسلام» نیز در ردّ اتهام خشونت به شیوه تبلیغ پیامبر ﷺ با بررسی دقیق احکام جزایی اسلام و قتل‌هایی که دلیل واردکردن چنین اتهامی است، خشونت را آخرین راهکار معرفی کرده و استواری تبلیغ دین اسلام بر هدایت فکری و تقویت نیروی تفکر و اندیشه در مردم، همراه با رافت و رحمت اثبات کرده است.

گسترش سریع اسلام، باعث تقابل میان اسلام و سایر ادیان، به‌ویژه مسیحیت شده است و آنان تصویر نادرست و غیرواقعی‌ای از اسلام به غرب ارائه دادند. این کار سهم بزرگی در رواج سوءظن، ترس از اسلام در اروپا و... داشته و دارد (صمیمی، محمد در اروپا، ۱۳۸۲: ۱۹۳). با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران، این اتهامات و اسلام‌ستیزی بیش از پیش شده است تا جایی‌که مسلمانان و پیامبر آنان، تروریست خوانده می‌شوند. در این میان، اتهام خشونت و استفاده از زور و شمشیر در گسترش اسلام، از محوریت آشکاری برخوردار است. برخی از خاورشناسان، برای اثبات این دیدگاه خود به آیات و روایات تمسک می‌کنند تا بتوانند تأثیر منفی بیشتری را بر اذهان وارد سازند؛ بنابراین ضرورت اقتضاء می‌کند برای دفاع از اسلام، در بررسی و نقد این‌گونه شبهاست از طریق آیات برای حفظ و تبلیغ اسلام تلاش کرد؛ زیرا از منظر قرآن، سیمای پیامبر به‌عنوان الگوی همه عصرها و نسل‌ها همواره قابل دفاع بوده و هست؛ مهم آن است که با نگاهی جامع به آیات نگریسته شود.



از آنجاکه آثار فوق، به طور خاص، اتهام خشونت به پیامبر در تبلیغ دین را با رویکرد قرآنی به صفت رحمت پیامبر بررسی نکرده اند، در این نوشتار قصد بر آن است، به شبهه درون دینی مستشرقان مبنی بر خشونت و زور در شیوه تبلیغی پیامبر اسلام، با روش استنتاجی و به نطق آوردن آیات برجسته قرآن، توصیف، تحلیل و پاسخ داده شود و سیمای رحمت و صلح طلب حضرت و دین اسلام در این زمینه، با رویکرد شخصیت رحمانی پیامبر و شیوه دعوت ایشان به تصویر کشیده شود.

محورهای اتهام خشونت به پیامبر ﷺ در آراء مستشرقان

خشونت در لغت به معنای درشتی و زبری (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۴۶: ۶/ ۸۶۳۰)، ضد لینت و نرمی (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق: ۱۳/ ۱۴۰)، و نعومت (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ۱ - ۶۵۱/۲). در قرآن واژه هایی چون «فَظَّ»، «غَلْظَه»، «اعْزَه»، «اشْداء»، «تنهر» مفهوم خشونت و عدم رقت و مهربانی را می رساند (هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ۱۳۸۶: ۱۲/ ۵۶۳؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۸: ۱۶/ ۱۳۷).

خاورشناسان با ذهنیت های مختلفی، سیمای پیامبر اسلام را بررسی کرده اند. از آنجاکه پیامبرشناسی اکثر آنان در فضائی غیرواقعی از اسلام و پیامبر بوده است، نتایج بررسی های آنان نیز غیرواقعی و مبتنی بر تهمت ها و نسبت های نارواست؛ از جمله این نتایج، اتهام خشونت به پیامبر و اسلام برای گسترش دین است که بر سه دلیل و محور اصلی استوار است:

۱. تأسیس و تبلیغ اسلام بر اساس زور

در قرن هیجدهم اعضای برجسته آکادمی های فرانسه از جمله «ورتو» در رساله «در باب مؤلف قرآن»، دوباره تهمت های قرون وسطایی مانند تبلیغ اسلام با شمشیر و... را تکرار کرده اند (صمیمی، محمد در اروپا، ۱۳۸۲: ۲۸۵).

این اتهامات گاهی چنان گسترده اند که به رغم اقدامات ژان پل دوم در تعدیل روابط جهان اسلام و مسیحیت، جانشین وی پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر کاتولیک های جهان نیز اسلام را خشونت طلب خواند و اظهار داشت «محمد ﷺ برای جهان فقط شرارت و اعمال غیرانسانی به ارمغان آورده و به مسلمانان دستور داده است دین را بازبان شمشیر گسترش دهند.» (پاپ فرانسیس و چشم انداز محتمل روابط اسلام و مسیحیت، تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۰۹/۰۲، <https://urd.ac.ir/fa/cont/695>)

این سخن او بازتاب گسترده ای در سخنان بزرگان دین، چون مقام معظم رهبری و ائمه جمعه داشت. «کولی» نیز می گوید: در مشرق دشمنی نوینی به نام اسلام ظاهر شده که بر اساس زور و تعصب

تأسیس یافته است (مراد، ردود علی شبهات المستشرقین: ۳۴۵ https://books_library.online).
«جولیان» می‌گوید: شمشیر محمد و قرآن شدیدترین دشمن و بزرگترین معاند برای تمدن و آزادی و حق است. او حاکمی مطلق و بر این باور است حق ملک بر گروه‌ها این است که از خواست او تبعیت کنند و هرچه را او می‌خواهد، انجام دهند (همان).
«سفاری» از مترجمان قرآن می‌نویسد: محمد به سلطنت الهی پناه برده است تا مردم را به قبول این عقیده بکشاند (همان).

«یوری روبین» (uriRubin) یهودی نیز در مقاله «محمد» با غلبه جنبه انذاری هدف رسالت، چهره خشنی از اسلام و پیامبر ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «رسالت پیغمبر قرآن نوعی وجه غالب آخرالزمانی دارد؛ زیرا نقش او بیم‌دادن کافران از عذاب آخرت است، وی جوهر رسالت پیامبر را انذار دهندگی می‌داند از پیامبر خواسته می‌شود که به او هشدار دهد.» (uriRubin, Mu'ammad, 2003, v3, pp442-443).
در مقابل این مستشرقان، «آندرو ریپین» که مخالف زور و شمشیر تنها در پیشرفت قرآن و اسلام است، می‌گوید: «درست است که در قرآن درباره جنگ و شمشیر و این‌گونه مسائل سخن رفته است و برخی از اصحاب رسانه غربی می‌گویند: «بعضی از عبارات‌های آن با اصول زندگی مدرن سازگاری ندارد»؛ اما باید چگونگی فهم مسلمانان از این آیه‌ها و نحوه به‌کارگیری آنها در زندگی روزمره را نیز در نظر بگیریم و این همان کاری است که تفسیر انجام می‌دهد. واقعیت این است که مسلمانان خودشان چنین برداشتی ندارند.» (آندرو ریپین، مصاحبه با آندرو ریپین، ۱۳۹۷/۷/۲۸، <https://www.cgie.org.ir/fa/news/216962>)

۲. جنگ و جهاد عاملی برای تبلیغ و گسترش دین اسلام

برخی مستشرقان، اسلام را دین خشونت می‌دانند؛ زیرا برای سرکوب پیروان ادیان دیگر و گسترش اسلام، جهاد را مطرح کرده است: «ریزوی فایرز» در مقاله لشکرکشی‌ها و نبردها، می‌نویسد: «بر اساس اسلام، محمد یکی از انبیایی بوده که از سوی خدا تشویق شده تا به‌خاطر اعتقادش نبرد کند. قرآن می‌گوید: اسلام و توحید در اثر مبارزات و جهادهای انجام‌گرفته، توسعه یافته است.» (Rizwi, Faizer. Expeditions and Battles. 2.143).

«روبرت بین»، نیز در کتاب خود «شمشیر مقدس: the Sacred Sword» قصد داشته، ثابت کند اسلام به‌وسیله شمشیر پیروز شده است (قطب، المستشرقون و الاسلام، ۱۹۹۹: ۷۵).
«ماسینیون فرانسوی»، به‌طور ضمنی جهاد را در مقابل دشمن داخلی و خارجی می‌داند؛ چراکه دین اسلام را نپذیرفته و یا در آن بدعت وارد می‌کنند؛ او می‌گوید: درست همان‌طور که مفهوم جهاد در



اسلام شکل حماسی و فکری دارد، مأموریت آن جنگ نیز در مقابل مسیحیت و یهودیت به عنوان یک دشمن بیرونی و در برابر رفض، بدعت به عنوان یک دشمن داخلی است (W. Said. (ORIENTALISM.1979.268).

«الا لانداتاسرون» قائل است: بر اساس آیه سیف (توبه/۵) و جزیه (توبه/۲۹)، هدف از جنگ با بت پرستان، اسلام آوردن آنان و هدف از جنگ با اهل کتاب، برتری بر آنان و نمایاندن عظمت اسلام است (Landau-Tasseran, Jihad, 2003, v3, p41).

«دیوید هیوم»، فیلسوف انگلیسی (۱۷۷۶-۱۷۱۱) می نویسد: «اسلام از ابتدا با اصول سخت گیری بیشتر و خون ریزی شروع کرد و حتی امروز هم اگرچه آتشی بر سر پیروان ادیان دیگر نمی ریزد، آنها را از لعنت و وعده جنگ بی نصیب نمی گذارد.» (نظری، بررسی شیوه های تبلیغ مسیحیت علیه اسلام، ۱۳۷۱: ۲۰۳).

«هامبرت رومی» (Humbert of Romans) می گوید: «آنان (مسلمانان) درباره دین خود تا آنجا جدی بودند که هرکجا به قدرت می رسیدند، بدون هیچ ترحمی به کشتار کسانی که علیه دین آنان تبلیغ می کردند، اقدام می کردند.» (همان).

«بازورث» در این باره می نویسد: «جهاد به معنای مبارزه شرعی و تکلیف همگانی، بر این مفهوم استوار است که چون دین اسلام دارای اعتبار جهان شمول است، باید حتی اگر لازم باشد، به زور اسلحه، در بین همه افراد بشر انتشار یابد. در اسلام سنتی، جهاد می بایست علیه اهل کتاب (یعنی متولیان مقتدر کتب مقدس و برتر از همه یهودیان و مسیحیان) و نیز علیه مشرکان ترتیب داده شود تا به اقتدار اسلام گردن نهند و به اسلام بگروند.» (عبدالمحمدی، «نقد دیدگاه مستشرقان درباره جنگ های پیامبر اعظم ﷺ»، ۱۳۹۱: ۶۹).

۳. قوانین و احکام سخت اجرایی، عاملی برای تبلیغ و گسترش دین اسلام

«مارکو شولر» متولد (۱۹۶۸م)، در مقالاتی درباره رویکرد تعاملی پیامبر ﷺ با قبایل اهل کتاب و به خصوص یهود، بیان می دارد: عدم پذیرش اسلام توسط یهودیان بن قینقاع، موجب شد پیامبر آنها را اخراج کند. او از عوامل اخراج و ترک وطن و مصادره اراضی بنی نضیر را پشتیبانی آنها از اتحاد مکیان علیه مسلمانان می شمرد و انگیزه حمله و محاصره و قتل و اسارت بنی قریظه، را پاسخ به پشتیبانی آنها از مشرکان و متحدان شان در جنگ خندق می شمرد. پس او با این شواهد قائل است از نظر اسلام، عدم پذیرش اسلام جرمی است که مجازات آن تبعید است (Scholler, Najran Na'ir, 2003, v3, pp488-501).

بر اساس سه محور فوق، برخی از مستشرقان پیامبر را حاکمی مستبد، بی رحم و جنگ طلب، و دین اسلام و تبلیغ پیامبر را با زور و شمشیر می دانند. از میان سه شاخصه اصلی مذکور، شیوه تبلیغی

پیامبر و دعوت به اسلام با زور، حاکم بر دو محور دیگر است، زیرا آنان که پیامبر را جنگ طلب و قوانین اجرایی او را مصداق خشونت می‌شمردند نیز، یکی از اهداف جنگ‌ها و یا اجرای احکام را گسترش اسلام می‌خوانند. از این رو رویکرد اصلی پژوهش حاضر بر محور اول (تبلیغ با زور) بنا نهاده شده است.

ادله قرآنی در ردّ آراء مستشرقان با محوریت اتهام تبلیغ با زور و خشونت به پیامبر

با وجود اتهامات انبوهی چون خشونت و... به شخصیت والای پیامبر اسلام ﷺ از ناحیه مستشرقان تبشیری کلیسایی و استعماری، بسیاری از پژوهش‌گران منصف غربی با قلم و زبان خود شجاعانه تعصب و جهالت حاکم بر فرهنگ غرب را شکسته و نورانیت و رحمت سیمای حضرت محمد ﷺ را معرفی کرده‌اند؛ از جمله «توماس کارلایل» می‌گوید: «محمد از کودکی به امانتداری، صحیح اندیشیدن، استواری در گفتار و رفتار خو گرفته بود. تاریخ ثابت می‌کند او پیوسته انسانی بامحبت، مهربان، اجتماعی و راستگو بوده است. دروغ‌هایی که از سرتعصب برای حفاظت از آیین مسیحیت بر او زده شده، عاقبت به ضرر ما تمام خواهد شد» (سلیم، قالو فی الاسلام و القرآن و الرسول، ۲۰۰۲: ۱۱۳).

از آنجاکه هدف اصلی این مقاله، رویکرد قرآنی در ردّ این اتهامات است، از بیان سخنان خود مستشرقان در ردّ این تهمت به پیامبر صرف‌نظر می‌شود؛ وگرنه امثال سخنان «کارلایل»، از سوی خود مستشرقان در توصیف شخصیت پیامبر اکرم ﷺ و نیز شیوه تبلیغی ایشان، و ردّ تعصبات تهمت‌زا کم نیست. برای پاسخ به شبهه خشونت در تبلیغ نبی اسلام، به موارد جزئی شبهات مگر در موارد ضرورت، پرداخته نمی‌شود؛ بلکه به آیات کلی و کلیدی (چه خبری و چه انشائی) در سه زمینه رحمت پیامبر، شیوه و گام‌های دعوت، محتوای دعوت آن حضرت استناد و استدلال می‌شود، تا به وسیله آنها بتوان هر شبهه جزئی را هم پاسخ گفت.

۱. ادله قرآنی در رحمت بودن پیامبر

جلوه رحمت الهی در رسول اکرم ﷺ، در جای جای قرآن نمایان است. توجه به هریک از آنها می‌تواند بر تمامی تهمت‌ها در راستای خشونت پیامبر در تبلیغ خط بطلان بکشد. در این زمینه برای رعایت اختصار به چند آیه کلیدی اکتفاء می‌شود.

۱-۱. پیامبر مصداق بارز خُلُق عظیم



خداوند در آیه ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم/۴)؛ خُلُقِ نبی مکرم را به بزرگی می ستاید؛ چراکه حُسن خلق - گرچه از علم عمیق نشأت گرفته - در اداره جامعه بسیار نقش دارد. خود رسول ﷺ نیز می فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق: ۱۶/۲۱۰). سر این نکته آن است که آنچه مردم را بهره مند می سازد، خُلُقِ نیکوی رهبران جامعه است (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۵/۲۸۴).

«خُلُق» صفاتی است که از انسان جدا نمی شود و چون خلقت انسان می گردد (مکارم شیرازی، نمونه، ۱۳۷۲: ۲۴/۳۷۲)؛ بنابراین از فضایل باشد یا رذایل، ملکه نفسانی است، که افعال بدنی مطابق اقتضای آن ملکه به آسانی از آدمی سر می زند. البته اگر این واژه مطلق ذکر شود، فضیلت و خلق نیکو از آن فهمیده می شود (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق: ۱۹/۳۶۹).

این آیه هرچند به خودی خود حسن خلق رسول خدا ﷺ را می ستاید و آن را بزرگ می شمارد؛ اما با در نظر گرفتن سیاق، در مورد اخلاق پسندیده اجتماعی ایشان اشاره دارد؛ اخلاق بی نظیری که مربوط به معاشرت است، از قبیل استواری بر حق، صبر بر آزار مردم و خطاکاری های اراذل و عفو و اغماض از آنان، سخاوت، مدارا، تواضع و... (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق: ۱۹/۳۶۹)؛ اگر آزارش می دهند، او اندرزمی دهد؛ ناسزایش می گویند، برای آنها دعای کند؛ بر بدنش سنگ می زنند و خاکستر داغ بر سر او می ریزند، آن حضرت برای هدایت آنها دست به درگاه خدا بر می دارد. همه این صفات در او بوده، ولی «خلق عظیم» او منحصر به این موارد نیست (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶ ق: ۵/۴۵۶)؛ مکارم شیرازی، نمونه، ۱۳۷۲: ۲۴/۳۷۲).

عظمت این ویژگی ها در پیامبر از کلمه «علی» و «عظیم» در آیه بیش از پیش روشن می شود؛ زیرا واژه «علی» بر استعلاء دلالت دارد و نشانگر آن است که نبی اکرم نسبت به این خُلُقِ نیکو، امیر و مولی است (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰ ق: ۳۰/۶۱۰)؛ و حاکمیت و قدرت درونی بر آنها دارد (ابن عاشور، التحریر و التنویر، بی تا: ۲۹/۶۰). کلمه «عظیم» نیز وصفی است که خداوند برای خُلُقِ نبوی بیان می کند، از این رو مدحی بالاتر از آن وجود ندارد، زیرا عظیمی که خدای متعال می گوید، وصف شدنی نیست (طوسی، التبیان، بی تا: ۱۰/۷۵).

پیامبر ﷺ همواره خلق عظیم داشت و هرگز خواسته ای برخاسته از وهم یا شهوت و غضب نداشت و کسی را بی جا سرزنش نکرد؛ چه آن گاه که دشمن با عِدّه و عِدّه فراوان به میدان نبرد اُحد آمده بود و حوادثی سنگین و دشوار برای آن حضرت پیش آمد، در حالی که بسیاری از یاران ظاهری ایشان، در دل و نیز ظاهر با پیامبر نبودند (انعام/۲۶)، چه در جنگ حنین که بیشتر یاران آن حضرت ﷺ گریختند

(توبه/۲۵؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹ ق: ۳۵۷/۲)؛ و چه در نماز جمعه که آن حضرت را در اثنای خطبه‌ها رها کردند (جمعه/۱۱؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۸: ۱۶/۱۴۸). با این سیره، در پیامبر ممکن نیست سخن امثال «دیوید هیوم»، صحیح باشد که اسلام از ابتدا با اصول سختگیری و خون‌ریزی شروع کرد!

وجود این «خلق عظیم» در پیامبر ﷺ دلیل بارزی بر عقل و درایت آن حضرت و نفی نسبت‌های دشمنان، از جمله جنون (مکارم شیرازی، نمونه، ۱۳۷۲: ۲۴/۳۷۲)؛ و نیز خشونت و زور در تبلیغ و دعوت به دین اسلام (البته با صرف نظر از سیاق) است؛ زیرا علاوه بر آنکه خود این آیه بر فضایل نیکوی اخلاق اجتماعی، چون عفو و مهربانی و مدارا و... دلالت دارد، می‌توان گفت همه آیات اخلاقی در وصف پیامبر شرح این آیه کوتاه است که برخی از آنها، در ادامه تبیین خواهد شد؛ و چطور ممکن است خدای عظیم، نبی خود را به خلق عظیم توصیف کند و با این حال فرستاده او از اولیات اخلاقی مانند مدارا کردن و صبر و... برخوردار نباشد و با خشونت و شدت مردم را به اجبار به دین دعوت کند و طبق گفته «سفاری»، مردم را به قبول این عقیده بکشاند؟

۲-۱. نرم‌خویی پیامبر

از دیدگاه قرآن یکی از رموز اساسی گسترش اسلام و گرایش سریع و همگانی به سوی آئین پیامبر خاتم، همان اخلاق نیکو و رفتار کریمانه و نرم‌خویی حضرت بوده است که قلوب مردم را به سمت خود و دین الهی جذب می‌کرد. این امر، به قدری اهمیت دارد که موسی و هارون مأمور می‌شوند، با فرعون نیز به نرمی سخن بگویند تا سبب تذکر و بیداری او گردد (طه/۴۴). درباره رسول خدا ﷺ نیز خطاب‌های مکرری در قرآن وجود دارد که این نرم‌خویی را روشن و مصادیق آن را تبیین می‌کند. برخی از این موارد عبارتند از:

الف. دفع بدی با روش خوب: خدا به پیامبرش امر می‌کند: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» به جای طرد بدکاران، بدی را از بین ببرند و در برطرف کردن بدی، روش نیک را برگزینند؛ یعنی به نحو معروف نهی از منکر کنند، نه به نحو منکر. سپس این دستور را چنین استدلال می‌کند که دشمن شما به سبب رفتار نرم شما با وی، به دوست گرم و مهربان شما تبدیل می‌شود (فصلت/۳۴؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۵/۳۸۸ و ۳۸۲). این تعلیل بر فرمان دفع بدی با نیکی، نشان‌گر آن است که یکی از اصول در شیوه تبلیغی پیامبر و گسترش اسلام همین روش بوده است، نه زور و اجبار و شمشیر، چنان‌که امثال «ورتو» پنداشته‌اند. سیره پیامبر ﷺ در برخورد خشونت‌آمیز دیگران نیز، نشانی از خشونت ندارد، مگر در



مواردی خاص که در بحث گام‌های تبلیغی پیامبر تبیین می‌شود. وقتی حضرت در آغاز بعثت، مردم مکه را به خداپرستی دعوت کرد، با عکس‌العمل شدید قریش مواجه شد. آنان از هیچ‌گونه آزار، اهانت و افترا دریغ نورزید و رسول خدا را فردی کذاب، ساحر، مجنون و... خواندند، او را مضروب ساخته و خون‌آلود می‌کردند، ولی عکس‌العمل پیامبر این بود که خون‌ها را از صورتش پاک می‌کرد و برای آمرزش و هدایت دشمنانش دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق: ۹۵/۱۶۷). این سیره پیامبر، آن هم در شروع رسالت‌شان، بر پندار و تهمت امثال «کولی» مبنی بر تأسیس اسلام، بر اساس زور و تعصب (مراد، ردود علی شبهات المستشرقین: ۳۴۵)، خط بطلان می‌کشد.

ب. لین بودن پیامبر و مصادیق آن: در آیه ۱۵۹ آل عمران، هدیه‌ای الهی به پیامبر یادآوری می‌شود: «به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن...» (مکارم‌شیرازی، ترجمه قرآن، ۱۳۷۳/۷۱).

در این آیه بیان چند نکته برای ردّ اتهام خشونت به پیامبر بسیار حائز اهمیت است:

۱. دفع اعتراض بر رسول خدا به خاطر کشته‌شدن دوستان در جنگ: التفات از خطاب عامه مسلمانان، به خطاب کردن رسول الله در لفظ این آیه، بدان دلیل است که سیاق این آیات آمیخته با لحنی از عتاب است، و خدا از سخن گفتن با مردم به خاطر نافرمانی‌ها و اعتراض‌شان بر رسول خدا ﷺ و نسبت ناروا به پیامبر، اعراض کرده است؛ زیرا آنان به خاطر اندوه ناشی از کشته‌شدن دوستانشان، در عمل رسول خدا خرده‌گیری کرده و کشته‌شدن آنان را به آن حضرت نسبت داده‌اند.

خدا روی سخن را به رسول خدا ﷺ کرده و فرموده است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق: ۵۶/۴)؛ بنا بر این دلیل برای التفات، می‌توان فهمید جای خرده‌گیری بر عمل پیامبر حتی در سخت‌ترین شرایط مانند جنگ نیست؛ زیرا پیامبر مظهر رحمت الهی است و جز رأفت و مهربانی چیزی دیگر نمی‌خواهد.

۲. اتصاف پیامبر به هر صفت کمالی و تنزیه از هر صفت سلبی: بر اساس عمومیت تعلیل (رحمت‌الهی) پیامبر از هر امر سلبی، نظیر فظّ و خشونت در نفس، غلظت و قساوت در قلب که سبب پراکندگی از حریم آن حضرت است، منزّه و به همه اوصاف ثبوتی مانند لین نفس متصف است (جوادی‌آملی، تسنیم، ۱۳۸۸: ۱۶/۱۴۰). بر اساس این نکته در آیه، به‌طور قطع پیامبر به‌عنوان کسی که تمام وجودشان تبلیغ دین است، خشونت‌ی که برخاسته از قساوت قلب و... نداشته‌اند و زبان دعوت

به دین، نرم‌خویی ناشی از رحمت الهی بوده است. بنابراین سخن پاپ بندیکت شانزدهم، که محمد ﷺ برای جهان فقط شرارت و اعمال غیرانسانی به ارمغان آورده، بی پایه و اساس است.

۳. معنای نرم‌خویی: این نرمی و مدارا به معنای تساهل و تسامح نیست؛ بلکه با امر به معروف و نهی از منکر عادلانه و معتدلانه همراه بود. از این رو رسول اکرم ﷺ درباره لغزش خالد در حضور مردم به طرف آسمان دست بلند کرد و از کار او بیزارى جست (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق: ۲۱/ ۱۴۱). غضب و رحمت مؤمن در اختیار ایمان عقلانی اوست، از این رو در عین توانایی بر قهر، مهر می‌ورزد و در حال اقتدار بر مهر، قهر را روا می‌دارد. آنچه در «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/ ۲۹)؛ مطرح است، نشان همین قدرت است، (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۸: ۱۶/ ۱۳۵-۱۴۲). بنابراین کسانی که نسبت خشونت و تبلیغ با زور به پیامبر داده‌اند و انتظار مهربانی محض در ظاهر را داشته‌اند، معنای رحمت و مهربانی را درست متوجه نشده‌اند و در سیره پیامبران دیگر مانند حضرت نوح، موسی، مسیح و... دقت نکرده‌اند که آنان نیز افرادی منفعل نبوده؛ بلکه مهر آنان نیز گاهی در غضب جلوه‌گر می‌شده است.

۴. نقش نرم‌خویی: بر اساس آیه ۱۵۹ آل عمران پیامبر نه جفاکار بود و نه سنگدل، بلکه به فضل الهی رفتاری سرشار از وفا و مهربانی داشت (همان). بنابراین پراکنده‌نشدن افراد از اطراف پیامبر و نیز گسترش اسلام که مستشرقان نیز بدان معتقدند، به دلیل زور شمشیر و... در دعوت به دین نبوده است؛ بلکه اصلی‌ترین عاملش خلق نیکو و مهربانانه پیامبر رحمت بوده است.

۵. مظاهر رحمت الهی در نرم‌خویی پیامبر: رحمت ویژه الهی در رسول، مظاهری دارد؛ مانند نرمی در رفتار و گفتار، ترک فظّ (سخت‌دلی، عدم رقت و مهربانی) و غلظت قلب. نمود این نرم‌خویی در عفو از امت نسبت به حق خود، استغفار برای آنها در جهت بخشودن حق خدا، مشورت با امت (حتی با فراریان جنگ احد که اهل گناه و ترس بودند) در امور آنها (نه امر الله)، توکل در عزم بر امور آنها و کسب محبوبیت خدا نمایان است. البته عمومیت تعلیل (رحمت الهی) در آیه ۱۵۹ آل عمران، می‌فهماند ذکر این مظاهر از روی تمثیل است نه تعیین (همان: ۱۴۴-۱۳۵)؛ و بارزترین موارد مانند مشورت و... برای تبیین عمومیت رحمت، در آیه بیان شده است، با اینکه به فرموده پیامبر، خدا و رسول از مشورت با مردم غنی هستند (سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴ ق: ۲/ ۹۰). این مشورت پیامبر، با کسانی که خطا کار بوده و از جنگ احد فرار کرده بودند با وجود قدرت حضرت بر توبیخ و مجازات آنان، نمونه نقضی بر سخن مستشرقانی چون پاپ بندیکت شانزدهم و... است.

تجلیات رحمت در اهل بیت ﷺ نیز بوده است، در حالی که در زمان آنان هم مخالفان‌شان، خلاف



رحمت و بخشش در ائمه را قائل بودند و ائمه با استشهاد به آیات از جمله آیه ۱۵۹ آل عمران، در عمل بدان پاسخ می دادند (عیاشی، کتاب التفسیر، ۱۳۸۰ ق: ۱/۲۰۳). پس اتهامات خشونت و... جدید نیست؛ بلکه از قبل هم بوده است.

۶. سه مظهریت رحمت الهی در پیامبر: پیامبر مظهر رحمت مطلقه الهی (انبیاء/۱۰۷)؛ و رحمت خاص به مؤمنان (توبه/۱۲۸)؛ و غضبی که جلوه ای از رحمت است نسبت به کفار و منافقان (توبه/۷۳)؛ از نگاه قرآن، رحمت حق در پیامبر تجلی کرده؛ زیرا می فرماید: «چنین نباشد که جانت در حسرت بی ایمانی آنها از دست برود» (فاطر/۸). این همه به دلیل شدت علاقه آن حضرت، به نجات امت خویش است. با این حال، پیامبری که «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» است، پس از اتمام حجت و ارائه طریق و هدایت از درون و بیرون، با کسی که در برابر وحی سرسختی نشان می دهد (کافر و منافق)، باید مقابله کند؛ (جوادی آملی، پیامبر رحمت، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۶)؛ زیرا این مقابله هم در راستای هدایت خود آنها و دیگران است. بنابراین عدم تلقی صحیح از رحمت و مهربانی سبب تهمت خشونت به پیامبر شده است؛ همان طور که تلقی رحمت عاطفی برای خداوند، شبهه عدم سازگاری عذاب و یا خلود آن را به وجود آورده است. از سوی دیگر اقتضای رحمت عام آن است که به هر موجود بر اساس اندازه استعدادش، فعلیت عطا کند. به این لحاظ، هیچ شیئی از قلمرو رحمت الهی بیرون نیست. بنابراین همان گونه که اعطای شیرینی به سبب رحمت است، اعطای تلخی به حنظل نیز رحمت است. رحمت به این معنا با عذاب و شدت سازگار است؛ بر اساس معنای مزبور از رحمت، خدا به کافر که تبهکاریش او را برای دریافت عذاب مستعد کرده است، آنچه را می طلبد، عطامی کند. بر اساس همین رحمت عام است که جهنم در نظام کلّ عالم از آلاء و نعمت های الهی شمرده شده است (الرحمن/۳۵-۴۵)؛ زیرا جهنم مظهر عدل خداست. اگر جهنم نباشد ظالم و عادل یکسان می شود که این تساوی برخلاف رحمت مطلق است (جاثیه/۲۱)؛ اما در مقابل بهشت که رحمت خاص است، غضب و جایگاه عذاب است و البته این عذاب برای تشفی نیست که مصداق خشونت محسوب شود. در مورد رسول ﷺ هم که «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» معرفی شده اند (انبیاء/۱۰۷) نیز این امر جریان دارد: نسبت به مؤمنان رؤف و رحیم (توبه/۱۲۸)، نسبت به کافران و منافقان، جهادگر و غلیظ (توبه/۷۳) است، ولی این دو نسبت، هر دو در کل نظام هستی، مصداق رحمت عامه پیامبر است (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۸: ۸/۴۰۷-۴۱۹)؛ بنابراین اگر در زندگی پیامبر به حسب ضرورت و دفاع، جنگ های دیده می شود، و عده ای از مستشرقان مانند «بازورث» به دلیل آن غزوات پیامبر و دین اسلام را خشونت طلب خوانده اند؛ اما باید دانست که در باطن آن رحمت عامه پیامبر موج می زند، گرچه ممکن است در ظاهر خشونت به نظر آید.

۳-۱. پیامبر مظهر رحمت برای همگان

پیامبر ﷺ به نص قرآن رسول رحمت است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء/ ۱۰۷) نرم خوئی، تحمل سختی‌ها و مدارا با مردم، تجلی آن رحمت عمومی است. از این آیه کوتاه نکات مهمی در مورد رحمت پیامبر روشن می‌شود که هرکدام می‌تواند پاسخی کوبنده به شبهه افکنان در مورد شخصیت پیامبر و رسالت ایشان باشد:

الف. رحمت بودن پیامبر در ذات: رحمت در آیه فوق می‌تواند نقش مفعول له داشته باشد تا نهایت مبالغه را برساند؛ زیرا بدین معنا خواهد بود که ما تو را نفرستادیم، مگر به خاطر اینکه تو رحمتی. در این معنا، رحمت بودن به پیامبر نسبت داده شده است؛ بنابراین ذات پیامبر رحمت و بلکه عین رحمت است (قونوی، حاشیه القونوی علی تفسیر البیضاوی، ۱۴۲۲ ق: ۱۲/۶۰۲). وقتی کسی ذاتش رحمت باشد، ممکن نیست برخلاف ذات خود رفتار کند و با خشونت و زور و اجبار، رفتاری به دور از رحمت داشته باشد.

ب. عمومیت رحمت پیامبر: تعبیر «عالمین» (جهانیان) مفهوم وسیعی دارد که تمام انسان‌ها را در تمام اعصار شامل می‌شود، از این رو این آیه را اشاره‌ای بر خاتمیت پیامبر اسلام می‌دانند؛ زیرا وجود حضرت برای همه انسان‌های آینده نیز تا پایان جهان، رحمت و مقتداست، حتی این رحمت، از یک نظر شامل فرشتگان نیز می‌شود (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷/۱۰۷) استفاده نکردن از این رحمت با عمومی بودن آن منافاتی ندارد (مکارم شیرازی، نمونه: ۱۳/۵۲۶-۵۲۷). رحمت عامه پیامبر، از جهت آثار حسنه دعوت حق ایشان در جوامع بشری، برای همه اهل دنیا، اعم از مؤمن و کافر جاری است؛ این امر از مقایسه وضع زندگی بشر آن روز قبل از بعثت حضرت [جنگ و خونریزی و رسوم جاهلی]، با وضعی که پس از قیام او به خود گرفت، به خوبی روشن می‌گردد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق: ۱۴/۳۳۱). بنابراین رحمت بودن ایشان نسبت به کافر نیز واضح می‌شود؛ زیرا رسول خدا ﷺ راه زندگی را نظام بخشید و بدان راهنمایی کرد و هر فرهنگ و تمدنی که امروزه دیده می‌شود به برکت اسلام و راهنمایی پیامبر است و هر انحراف و گمراهی به خاطر دور شدن از روشی است که حضرتش آورد (حسینی شیرازی، تقریب القرآن إلى الأذهان، ۱۴۲۴ ق: ۳/۵۷۵). البته برخی این رحمت عامه رسول الله را برای مؤمن در دنیا و آخرت دانسته و برای کافر در همین دنیا، که به رفع بلاها و مسخ‌ها و هلاکت‌ها از آنان منجر گردیده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷/۱۰۷)؛ بنابراین، آنان (جویلیان) که قائل اند، شمشیر نبی رحمت و قرآن، شدیدترین دشمن برای حق، تمدن و... است، گویا معنای تمدن و... را نفهمیده و یا درکی اشتباه از رحمت پیامبر داشته‌اند!

ج. ارتباط محتوای تبلیغی پیامبر با رحمت بودن ایشان: آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾



(انبیاء/۱۰۷)؛ تقریر و تعلیلی بر آیه قبل از خود ﴿إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾ (انبیاء/۱۰۶) است و بیانگر آن است که خداوند پیامبر را تنها به خاطر رحمت بودنشان فرستاده است؛ زیرا معارفی که حضرت به آنها خبر می دهد، در رساندن به هدف متعالی عبد بودن کافی است؛ (قونوی، حاشیه القونوی علی تفسیر البیضاوی، ۱۴۲۲ ق: ۱۲/۶۰۳). البته این در صورتی است که به معارف تبلیغی پیامبر عمل شود (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق: ۱۴/۳۳۳).

از آیه بعد ﴿قُلْ إِنَّمَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أُنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (انبیاء/۱۰۸)؛ نیز روشن می شود اساس و علت رحمت بودن پیامبر همان محتوای دعوت ایشان یعنی توحید است که مهمترین مظهر رحمت شمرده می شود (حسینی شیرازی، تقریب القرآن الی الأذهان، ۱۴۲۴ ق: ۳/۵۷۵). شرط اصلی رسیدن به سعادت، آن است که انسان با اختیار خود و بدون هر جبری، در معرض تابش نور رحمت للعالمین قرار گیرد. تمام تلاش پیامبر با حاکمیت رحمت الهی، در همین راستا بوده است. البته همان طور که خواهد آمد، این رحمت برای افراد مختلف، مظاهری متفاوت داشته و دارد.

د. حاکمیت رحمت بر غضب در سیره پیامبر: چندین جنگ در صدر اسلام به وقوع پیوست و رسول اکرم ﷺ رهبری آن جنگ ها را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به عهده داشت؛ اما باز خداوند، آن حضرت را چهره رحمت جهانی معرفی می کند (انبیاء/۱۰۷)؛ زیرا رحمت انبیا و اولیای الهی که مظهر خدا هستند، بر غضبشان غالب است. نشانه اش این است که انسان تا حد امکان دست به سلاح نبرد و اگر دست به سلاح بُرد، در حد امکان سعی کند کسی را نکشد و اگر مجبور به کشتن بعضی شد، تا آنجا که ممکن است بقیه را عفو کند؛ برخلاف زعامت غضب. در سیره رسول اکرم ﷺ در فتح مکه (ر.ک. کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ ق: ۳/۵۱۳، ح ۲)؛ و جنگ اُحُد (ر.ک. مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۲۰/۹۶)؛ این غلبه رحمت جلوه گر است (جوادی آملی، حماسه و عرفان، ۱۳۸۴/۱۲۷-۱۲۹).

این سیره نبوی در حاکمیت رحمت بر غضب، پاسخی است به آنان که دین و تبلیغ ایشان را مبتنی بر اجبار و خشونت می شمردند، از جمله «هامبرت» که قائل است، هرکجا مسلمانان به قدرت می رسیدند، بدون هیچ ترحمی به کشتار کسانی که علیه دین آنان تبلیغ می نمودند، اقدام می کردند. این ادعا در حالی است که سیره پیامبر و پیروانشان خلاف آن را نشان می دهد. برای مثال در فتح مکه و جنگ احد، با آنکه قدرت بر چنین کاری داشتند؛ اما نه تنها آنها را نکشتند که آزاد کردند و حتی به جای نفرین برای آنها دعا کردند.

۴-۱. حسن قول و معاشرت نیکوی پیامبر

خداوند در آیه‌ای دیگر که به ظاهر در مقام نقل پیمان‌هایی است که از بنی اسرائیل گرفته شده؛ اما روح آن، شامل پیامبر و امت اسلامی نیز می‌شود، به معاشرت نیکو با همه مردم دستور می‌دهد: ﴿...وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...﴾ (بقره/۸۳).

تعبیر «ناس» به جای «اهل کتاب» یا «مؤمنان»، می‌رساند، اعمال حُسن خلق در مورد توده مردم، اعم از مسلمان و کافر فراگیر است. مقصود از «قولوا» کنایه از مطلق برخورد است؛ با قول باشد یا عمل؛ قول حَسَن هم، گفتن سخن نیک با مردم است. البته مراد سخنی نیست که خوشایند دیگران باشد؛ بلکه مقصود آن است که محتوای آن سخن به مصلحت آنان بوده و روش آن مقبول و دل‌پذیر باشد، مانند امر به معروف و نهی از منکر که احسانی در حق بندگان است، حتی در جایی که خداوند رحیم و رحمان دستور خشونت می‌دهد و این امر ممکن است خوشایند کافران نباشد. بنابراین برخلاف آنچه برخی از مفسران آورده‌اند (ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹ ق: ۱/۱۶۲) پیام این آیه این نیست که شما در هر شرایطی به نیکویی با اهل کتاب اقدام کرده و آنان را تکریم کنید؛ بلکه پیام آن این است که با مردم حسن معاشرت داشته باشید و مصداق حسن معاشرت، گاهی نیکو سخن گفتن است و گاهی نیکو امر به معروف و نهی از منکر کردن یا شدت در مقام تأدیب و گاهی در جای خود و با شرایط و ویژگی‌های خود، جنگیدن است. پس این آیه منافاتی با آیه قتال (توبه/۲۹) ندارد (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۵/۳۶۴-۳۶۷)؛ و برخلاف گفته لانداتاسرون، جنگ با اهل کتاب و جزیه گرفتن از آنها لزوماً برای نمایاندن برتری بر آنان و عظمت اسلام نیست؛ بلکه قول حسنی است که می‌تواند، علاوه بر زندگی در پرتو امنیت حکومت اسلامی، جنبه هدایتی برای آنها نیز داشته باشد.

امام صادق (علیه السلام) در توضیح «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» می‌فرماید: «مقصود، همه مردمان اعم از مؤمن و کافر است؛ اما با مؤمنان باید گشاده‌رو بود و اما با کافران باید به نرمی و مدارا سخن گفت، تا به سوی ایمان کشیده شوند و کمترین ثمره‌اش این است که خود و برادران مؤمنش را از گزند کافران مصون می‌دارد.» (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶ ق: ۱/۱۲۲)؛ بنابراین توجه به مبنای کرامت انسانی و رعایت حسن قول با آنها، (نه زور و اجبار) یکی از مهمترین عوامل گسترش اسلام است.

۱-۵. جمع بندی ادله قرآنی ناظر به رحمت بودن پیامبر در پاسخ به شبهه خشونت و تبلیغ با زور

از مستندات یادشده که نمونه‌ای از آیات بسیار درباره ویژگی رحمت در وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، روشن شد آن حضرت هیچ اجبار و برخورد تندی برای اسلام آوردن حتی نسبت به مشرکان (توبه/۲۹) نداشته است؛ بلکه در مواردی بسیار، خشونت دشمنان اسلام را با نیکویی و مهربانی پاسخ داده و جز



در مواقع اضطراری، به دفاع و مقابله به مثل پرداخته‌اند که البته همان هم از روی رحمت پیامبر در نظام کلی حکایت می‌کند. پیامبر هرگز حتی برای لحظه‌ای، چه در مکه و چه در مدینه از این ویژگی در تبلیغ خارج نشدند و از ابتدا تا انتهای تبلیغ رسالت، اسلام را به زبان زور ابلاغ نکرده و همواره با حسن خلق، مردم را به اسلام دعوت کردند و همین «خلق عظیم» حضرت باعث گسترش اسلام و جذب قلوب به دین شد. بنابراین ادعای بدون دلیل مستشرقانی مانند ورتو، کولی، جویلیان، هیوم، بازروث و... ناشی ناآگاهی یا تعصب است.

۲. ادله قرآنی در شیوه تبلیغی پیامبر رحمت

ادله قرآنی فراوانی، به صورت کلی، بر عدم خشونت و اجبار در سیره تبلیغ و دعوت پیامبر به دین اسلام دلالت دارد. برخی دلیل‌ها، اساس شیوه دعوت پیامبر و بعضی محتوای آن را نشان می‌دهد و با کنار هم قراردادن این سیره در دعوت پیامبر، مراحل و گام‌های آن نیز روشن می‌شود. همه این آیات به صورت مجزا و نیز به صورت جمعی اتهام خشونت و زور در دعوت به اسلام در سیره پیامبر را رد می‌کند؛ اتهامی که برخی از مستشرقان با ادبیات‌های مختلف بدان دامن زده‌اند.

۲-۱. مبانی تبلیغ پیامبر رحمت

دینی که بر پایه علم و عقل استوار است، همواره از مبانی خویش دفاع می‌کند؛ زیرا اگر بخواهد بماند و گسترش پیدا کند، باید مردم را با مبانی خود آشنا کند، چنین دینی با گسترش عقل و علم در جامعه، گسترده خواهد شد. بدین جهت خدا به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد با شیوه‌های مختلف، علم و عقل را گسترش دهد (جوادی آملی، سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، ۱۳۸۵: ۸/ ۸۱-۸۲). راز ماندگاری و گسترش اسلام نیز همین سیره پیامبر است که تبلیغ و دعوت خود را بر اساس هدایت فکری و تقویت نیروی تفکر در مردم، همراه با رأفت و رحمت شروع کرد و ادامه داد، نه با اجبار و خشونت. برخی از این مبانی بر اساس آیات عبارتند از:

الف. بصیرت: در آیه ۱۰۸ یوسف، خدا رسولش ﷺ را مأمور کرد راه خود را - که همان دعوت به توحید از روی بصیرت است - به مردم اعلام کند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق: ۱۱/ ۲۷۷)؛ زیرا دعوت بدون بصیرت و بینایی، دعوت به سوی حق نخواهد بود (مکارم شیرازی، نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۱۰/ ۹۵-۹۶). بصیرت به معنای معرفتی است که با آن حق از باطل تشخیص داده می‌شود (شوکانی، فتح القدر، ۱۴۱۴ ق: ۳/ ۷۱)؛ بنابراین تمام تلاش پیامبر در راستای معرفت افزایی به سوی الله و توحید بوده است؛ چنان‌که وظیفه هر رهبر راستینی همین است، برخلاف رهبران دروغین که هاله‌ای از ابهام،

هدف و روش آنها را فراگرفته تا بتوانند سرپوشی بر کارهای خود بگذارند (مکارم شیرازی، نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۹۵-۹۶/۱۰). این بصیرت و وضوح در دعوت، با شبهه تبلیغ بر اساس زور منافاتی آشکار دارد.

ب. به تفکر واداشتن: از آیه «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/۴۴)؛ استفاده می‌شود، وظیفه پیامبر، بیان قرآن و وظیفه مردم، پذیرش آن بر اساس فکر و اندیشه است (شوکانی، فتح القدیر، ۱۴۱۴ ق: ۱۹۷/۳)؛ تا خود افراد با تفکر و تدبیر در محتوای دعوتی که پیامبر تبیین کرده، بفهمند به خیر و مصلحت آنهاست و سرانجام آن را بپذیرند (مغنیه، الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۵۱۷/۴). در واقع دعوت و برنامه رسالت پیامبر با تبیین تعالیم آن است که اندیشه انسان‌ها را بیدار سازد، و با احساس تعهد و مسئولیت (نه از طریق اجبار) در راه حق گام بردارند و به سوی تکامل پیش بروند (مکارم شیرازی، نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۱۱/۲۴۳).

ج. دعوت بر اساس حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن: تأثیر بنیادین اخلاق در جذب و سعادت جامعه انسانی غیرقابل انکار است؛ از این رو رسول ﷺ نیز مأمور به دعوتی نیکو با محتوایی حق بود. چنان‌که آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ... وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» (نحل/۱۲۶-۱۲۵)؛ بیانگر بسیاری از این مفاد است:

۱. رابطه دعوت پیامبر و خشونت: این آیات کلیدی درباره شیوه دعوت پیامبر به صراحت ایشان را از به‌کارگیری زور و خشونت در تبلیغ نهی می‌کند و تنها در مواردی که دشمنان اسلام از حربه خشونت علیه آن حضرت استفاده کنند، به‌کارگیری خشونت و مجازات با آنها را جایز دانسته است. هرچند در این صورت نیز در حد ممکن پیامبر ﷺ را به صبر فرا می‌خواند (مهوری، «خشونت آخرین راهکار اسلام»، ۱۳۸۲: ش ۱۶).

۲. سه مرحله دعوت پیامبر: در آیات فوق، سه مرحله برای دعوت پیامبر بیان شده است: حکمت (راه استدلال برای اقناع عقل و اندیشه)، موعظه (برای رقت قلب و ایجاد عبرت و صلاح در شنونده)، جدال احسن (رد کردن ادعای خصم با آنچه که خودش به تنهایی یا او و همه مردم قبول دارند). سه طریق برای دعوت با همان سه طریق منطقی، یعنی برهان و خطابه و جدل منطبق می‌شود (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق: ۳۷۱/۱۲). دلیل اینکه آیه نفرمود: «والجدال»، آن است که دعوت به سبک جدال در حد ضرورت و دعوت با حکمت و موعظه سودمندتر و مقدم‌تر خواهد بود (جوادی آملی، سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، ۱۳۸۵: ۸/۷۰ و ۸۴). از این مبنا در شیوه دعوت پیامبر، بویی از زور و اجبار به مشام نمی‌رسد که بعضی مستشرقان ادعا کرده‌اند. نه تنها اساس دعوت پیامبر اجبار نبوده که زمینه اختیار و



انتخاب بهتر را فراهم می‌کرده است.

۳. علت ذکر قید حسنه برای موعظه و احسن برای جدال: خدا موعظه را به قید حسنه و جدال را هم به قید «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» مقید کرده؛ زیرا بعضی از موعظه‌ها حسنه نیستند، و بعضی از جدال‌ها حسن (نیکو) و بعضی دیگر احسن (نیکوتر) و بعضی دیگر اصلاً حسن ندارند. باتوجه‌به تعلیل ذیل آیه، خداست که می‌داند تنها امر مفید در این راه، حکمت و موعظه حسنه و جدال احسن است. حسن موعظه از جهت حسن اثر آن در احیاء حق است، و این وقتی است که واعظ خودش به آنچه می‌گوید متعظ باشد، و نیز در وعظ خود آن‌قدر حسن خلق نشان دهد که با مشاهده آن خلق و خوی، قلب شنونده کلامش را قبول کند و رقت یابد و خاضع شود. اگر از راه جدال دعوت می‌کند باید از هر سخنی که خصم را به عناد و لجبازی واداشته، پرهیزد، از مقدمات کاذب، هرچند خصم آن را راست پندارد، از بی‌عفتی در کلام و سوء تعبیر، از توهین به خصم خود و مقدسات او و از هرنادانی دیگری پرهیزد؛ زیرا اگر غیر این کند درست است که حق را احیاء کرده؛ اما با احیاء باطل و کشتن حقی دیگر احیاء کرده است. جدال، از موعظه بیشتر احتیاج به حسن دارد، و به همین جهت خداوند موعظه را به حسن ولی جدال را به احسن (بهتر) مقید نمود (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق: ۱۲/۳۷۱-۳۷۲)؛ چه رسد به اجتناب از جدال غیر احسن که به فرموده امام ششم عبارت است از: انکار حقی در اثر ضعف فکری خود، یا پذیرش باطلی یا جدالی که در اثر سوءاستفاده از ضعف فکری رقیب انجام شود (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶ ق: ۳/۴۶۵).

بنابراین اندرز و جدال در صورتی مؤثر می‌شود که خالی از هرگونه خشونت، برتری‌جویی، تحقیر طرف مقابل، تحریک حس لجبازی او و... بوده باشد و تمام جنبه‌های انسانی آن حفظ شود (مکارم‌شیرازی، نمونه، ۱۳۷۴: ۱۱/۴۵۷).

با این بیان، پرواضح است که جهان‌شمولی دین اسلام این شیوه جامع و متناسب با ابعاد وجودی انسان را می‌طلبد تا ماندگار باشد، نه اینکه این جهان‌شمولی با زور اسلحه و... صورت پذیرد و در بین همه افراد بشر انتشار یابد، چنانکه بازورث پنداشته است و بی‌شک راز ماندگاری دین خاتم، توجه به کرامت انسان‌هاست، نه خشونت و اجبار که اگر چنین بود و کرامت انسان‌ها نادیده گرفته می‌شد، این کتاب چنین گسترش نمی‌یافت و ماندگار نبود.

۴. نمونه‌هایی از احتجاج و جدال‌های احسن پیامبر: صاحبان ملل و نحل به حضور پیامبر ﷺ شرفیاب می‌شدند، هرکدام داعیه‌ای داشتند. رسول خدا پس از شنیدن داعیه آنان، با روش‌های مختلف استدلال، اعم از حکمت و جدال، به تحکیم مبانی اسلام و انهدام خلاف آن مبادرت می‌ورزید و

در نهایت همه آنان را مجاب می‌کرد؛ اما بعضی حق را می‌پذیرفتند و بعضی آن را انکار می‌کردند (جوادی آملی، سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، ۱۳۸۵: ۸/ ۸۲-۸۳). آن حضرت به مقدمات وهمی و متشابهات تمسک نکرده، از جهل افراد سوءاستفاده نمی‌کرد (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۹/ ۳۱۲-۳۱۴). در این سیره پیامبر، شواهد فراوانی در دعوت اهل کتاب و ملحدان و... وجود دارد که شبهه خشونت به ایشان را دفع می‌کند:

- احتجاج با یهودیان: در زمینه اعتقاد آنها بر فرزند خدا بودن عزیر به خاطر احیاء شدن تورات توسط او (ر.ک. مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق: ۹/ ۲۵۹).

- احتجاج با مسیحیان نجران: در زمینه اعتقاد آنها به فرزند خدا بودن عیسی ﷺ و تثلیث (ر.ک. جوادی آملی، سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، ۱۳۸۷: ۹/ ۱۶۹-۱۷۵)؛ جریان مباحله نیز، معجزه و نمونه‌ای از جدال احسن پیامبر است که ادعای حضرت ﷺ و بخشی از دعوتش را ثابت می‌کند (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۱۳/ ۴۸۸).

- احتجاج با ملحدان: در زمینه عدم باور آنها به آغاز و پایان برای عالم (ر.ک. جوادی آملی، سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، ۱۳۸۵: ۸/ ۹۹-۱۰۲).

- احتجاج با مشرکان و بت‌پرستان: در زمینه پیشنهاد آنها به آزادی مذهب با مشاهده رشد اسلام در حجاز و مکه (همان: ۱۱۴-۱۱۷).

بنابراین با توجه به احتجاجات فراوان رسول اکرم با اهل کتاب و مشرکان و ملحدان مخالف اسلام و نوع برخورد و استدلال آوردن درباره اختلاف نظرات، دیگر جایی برای شبهه خشونت نسبت به اهل کتاب و به خصوص یهود باقی نمی‌ماند و برخلاف گفته شولر، اخراج و تبعید و... یهودیان از مدینه به جرم نپذیرفتن اسلام نبوده است؛ چراکه قبل از این در احتجاجات‌شان با پیامبر، این امر واضح بوده؛ بلکه به سبب پیمان‌شکنی‌های خود آنها بوده که در آیات (۱۲۵-۱۲۶ نحل) به پیامبر دستور مقابله به مثل داده شده است، تا مزاحمتی برای مسلمانان ایجاد نکنند. از سوی دیگر سستی سخن افرادی چون «بازورث» روشن می‌شود که گفته‌اند: در اسلام، زور و جهاد، باید علیه اهل کتاب و مشرکان ترتیب داده شود تا به اقتدار اسلام گردن نهند و به آن بگروند. اگر بنا بر اجبار در پذیرش اسلام بود، از همان ابتدا چنین کاری انجام می‌شد و این احتجاج‌ها برای افزایش قدرت تفکر و انتخاب افراد، ضرورتی نداشت.

۵. صبر پیامبر در برابر سختی‌ها و اذیت‌ها: بر اساس بعضی روایات آیه ۱۲۶ نحل در جنگ احد



نازل شده، هنگامی که پیامبر وضع دردناک شهادت عمویش حمزه را دید، بسیار منقلب و ناراحت شد و فرمود: «خدایا حمد از آن تو است و شکایت به تو می‌آورم، و تو در برابر آنچه می‌بینم یار و مددکار مایی... اگر من بر آنها چیره شوم، آنها را مثله می‌کنم.» در این هنگام آیه نازل شد ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾. بلافاصله پیامبر عرض کرد: خدایا صبر می‌کنم (سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴ ق: ۴/ ۱۳۵؛ عیاشی، کتاب التفسیر، ۱۳۸۰ ق: ۲/ ۲۷۴-۲۷۵). با اینکه این لحظه شاید دردناکترین لحظه‌ای بود که در تمام عمر بر پیامبر گذشت، ولی باز پیامبر مسلط بر خود راه دوم (عفو و گذشت) را انتخاب کرد. در فتح مکه که پیامبر بر این سنگدلان پیروز و مسلط شد، فرمان عفو عمومی صادر کرد، و به وعده‌اش در جنگ احد وفا کرد. نتیجه این همه بزرگواری و گذشت آن شد که این ملت جاهل و لجوج چنان بیدار شدند (نصر/۲؛ مکارم‌شیرازی، نمونه، ۱۳۷۴: ۴۵۸-۴۵۹).

بنابراین، پیامبر با رفتاری بزرگ‌منشانه در دعوت خود، ابعاد مختلف عقلی (حکمت)، عاطفی (موعظه حسنه) و نیز برخورد منطقی با مخالفان (جدال احسن) را در نظر دارد (مکارم‌شیرازی، نمونه، ۱۳۷۴: ۴۵۷/۱۱). توجه به چنین سیره‌ای، تهمت خشونت و زور با شمشیر در دعوت از سوی مستشرقانی چون «کولی»، «جویلیان»، «هامبرت رومی» و... را دفع می‌کند.

۲-۲. گام به‌گام بودن شیوه تبلیغی پیامبر رحمت

شیوه تبلیغی پیامبر به‌حسب زمان دعوت و مخاطبان متفاوت بوده است. در آیه ۱۲۵ نحل، خداوند پیامبرش را امر می‌کند نخست راه حکمت (استدلالات صحیح و حساب‌شده) را پیش‌گیرد، و به تعبیر دیگر اندیشه‌ها را به حرکت درآورد و در این مسیر از «بعد عقلی» وجود انسان استفاده کند، همان‌طور که در دومین گام برای به‌کارگیری «بعد عاطفی»، دستور می‌دهد، موعظه حسنه کند؛ زیرا موعظه به دلیل جنبه عاطفی آن برای همه مردم و همواره، سودمند است؛ اما برای مجادله‌گران، پس از قیام حجت نافع خواهد بود. در سومین گام علاوه بر ترک مراء، جدال احسن را که خود حجت کامل حق است، انجام دهد. این مورد مخصوص کسانی است که ذهن آنها قبلاً از مسائل نادرستی انباشته شده و باید از طریق مناظره ذهن‌شان را خالی کرد تا آمادگی برای پذیرش حق پیدا کنند (جوادی‌آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۴۸۸/۱۳؛ مکارم‌شیرازی، نمونه: ۴۵۶-۴۵۷). از این‌رو در حکمت و موعظه و جدال ترتیب به‌حسب افراد است؛ یعنی از آن جایی که برای تمامی مصادیق و افراد حکمت نافع است، آن را اول آورد. چون موعظه دو قسم بود: یکی خوب، و یکی بد، و آن‌که بدان اجازه داده‌شده موعظه خوب است، لذا دوم آن را آورد، و چون

جدال سه قسم بود، یکی بد، یکی خوب، یکی خوبتر، و از این سه قسم تنها قسم سوم مجاز بود، از این رو آن را سوم ذکر کرد، تشخیص به کارگیری موارد این سه بر عهده دعوت کننده است، هر کدام حسن اثر بیشتری داشت آن را باید به کار بندد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق: ۳۷۳/۱۲).

شایان ذکر است بخشی از برنامه های پیامبر ﷺ پیش از اتمام حجّت است و قسمتی پس از آن:

الف. پیش از اتمام حجّت: پیامبر ﷺ رنج های طاقت فرسایی را برای تبلیغ اسلام تحمل کردند؛ ولی همواره با عطف و مهربانی فراوانی با مردم حجاز رفتار می کردند؛ آن قدر که خدا فرمود: تو آن چنان بر ایمان نیاوردن آنان تأسف می خوری که نزدیک است، قالب تهی کنی (شعراء/۳؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۱۳/۴۸۸). در این مرحله، رفتار حضرت با آنان که رسالت ایشان را نمی شناختند و وجود ملکوتی آن حضرت را نمی دیدند، بر اساس آیه «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف/۱۹۹)؛ بود، همان گونه که با مؤمنان برپایه مهربانی استوار بود (حجر/۸۸؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۸: ۱۶/۱۴۹). سفارش نرم خویی به پیامبر (آل عمران/۱۵۹) نیز به مراحل آغازین رسالت تبلیغی و قبل از اتمام حجّت مربوط است تا حدّ جذب، کامل و حجّت الهی تمام شود و راه هرگونه عذری مسدود گردد (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۵/۳۸۶).

ب. پس از اتمام حجّت: بعد از ابلاغ پیام، رسالت پیامبر ﷺ انجام شده است و حضرت به لحاظ سمت ولایت، غیر از تبلیغ احکام، وظایف دیگری را نیز چون جنگ با دشمنان دین بر عهده داشته اند (بقره/۱۹۳). البته پس از اتمام حجّت و دعوت از روی آگاهی. از این رو حضرت هرگز برای ترک گفت وگو و رهایی احتجاج با دشمن پیش قدم نمی شدند؛ اما اگر مخاطبان نمی پذیرفتند، پیامبر ﷺ جدال نمی کرد؛ بلکه از روی بصیرت چنین می گفت: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون/۶؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۱۳/۴۸۸). حضرت با کافران معاند و منافقان اصلاح ناپذیر و غیر لایق عفو و صفح، با غلظت و شدّت رفتار می کرد (فتح/۲۹؛ تحریم/۹؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۸: ۱۶/۱۴۹) بنابراین در این مرحله که احسان البته نه با هر کافری، بلکه نسبت به طاغیان عنود، کافران سرسخت و معاندان مهاجم، تنها سبب آزار و رنجش توده محروم می شده، نوبت به شدیدترین برخوردها مانند جنگ هم رسیده (حج/۳۹-۴۰) و از تندترین الفاظ چون لعنت و... (بقره/۱۵۹ و ۱۶۱)، هم استفاده شده است (توبه/۱۲۳) (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۵/۳۸۶). در مورد اهل کتاب نیز چنین است. به عنوان نمونه در جریان مقابله با اهل کتاب خصوصاً یهود که تنها به این قناعت نمی کردند که آئین اسلام را نپذیرند؛ بلکه اصرار داشتند مؤمنان نیز از ایمانشان بازگردند و انگیزه آنان از منظر قرآن در این امر چیزی جز حسد نبود؛ به مسلمانان دستور داده شده در برابر فشار شدید دشمن در آن شرائط خاص از سلاح عفو



برزگوارانه استفاده کنند و به ساختن خویش و جامعه اسلامی بپردازند و در انتظار فرمان خدا باشند (بقره/۱۰۹). این دستور حتی در آن زمان قوت و قدرت کافی مسلمانان برای مقابله با دشمنان، برای این بود که دشمن اگر قابل اصلاح است در مسیر هدایت قرار گیرد. بنابراین در برابر دشمن هرگز نباید خشونت، نخستین برنامه باشد؛ بلکه نخستین برنامه عفو و گذشت است، اگر مؤثر نشد آنگاه متوسل به خشونت شوند (مکارم شیرازی، نمونه، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۰۲). این آخرین حربه نیز در نگاهی دقیق، خود مرهمی است برای درد فرد یا جامعه و رأفت و رحمتی در حق اوست؛ (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۵/ ۳۸۸-۳۸۵). در اصل، اقتضای پیغمبر رحمه للعالمین همین است (جوادی آملی، سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، ۱۳۸۵: ۸/ ۳۰۰).

بنابر مطالب فوق، پیامبر با مخالفان و معاندان به دو شیوه برخورد می کردند: پیش از اتمام حجت با گفتگو (حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن) و صلح و عفو؛ و پس از اتمام حجت برخورد قهرآمیز. این سیره، بطلان سخن «کولی» را نشان می دهد که قائل است از ابتدا اسلام بر زور و تعصب تأسیس شده است و نیز دیدگاه سایر مستشرقان بر خشونت در سیره تبلیغی پیامبر چه با کفار و چه با اهل کتاب و... برای گسترش اسلام را رد می کند.

۲-۳. محتوای تبلیغ پیامبر رحمت

از راهکارهای دفع شبهه خشونت به پیامبر رحمت، توجه به محتوایی است که از طریق وحی، مأمور به ابلاغ آن شدند. گرچه برخی از مستشرقان به صورت گزینشی از محتوای قرآن برای رسیدن به مقاصد خود سوءاستفاده کرده اند؛ اما با نگاهی جامع می توان دریافت، محتوای قرآن، دلیلی است بر آن که دعوت پیامبر نمی تواند بر اساس زور شمشیر باشد. برخی از محتواهایی که برای دفع تهمت خشونت در تبلیغ به پیامبر نقش بسزایی دارند، عبارتند از:

الف. همراهی بشارت و انداز: در آیات فراوانی، انبیاء به ویژه پیامبر اسلام، مبشر و منذر خوانده شده اند (احزاب/۴۵). بشارت و انداز همه جا باید توأم با هم و متعادل با یکدیگر باشد، بشارت، انگیزه جلب منفعت و انداز، انگیزه دفع مضرت در انسان هاست و تکیه روی یک قسمت در برنامه ها، به خاطر شناختن انسان و بی توجهی به انگیزه های حرکت اوست (مکارم شیرازی، نمونه، ۱۳۷۴: ۱۷/ ۳۶۲-۳۶۳). بنابراین شیوه تبلیغ انبیاء بر دو محور بیم و امید استوار است و آیاتی ضمن توصیف پیامبران مبشر و منذر، دلیل این ویژگی در آنها را اتمام حجت بر مردم بیان کرده است (نساء/۱۶۵) این امر نشان می دهد تبلیغ آنها با زور نبوده، وگرنه اتمام حجتی اتفاق نمی افتاده است.

این در حالی است که «یوری روبین» در بخش اهداف رسالت از مقاله محمد، القاء کرده اسلام

برای آخرت است؛ از آخرت هم فقط به عذاب آن اشاره کرده است؛ نه حیات جاویدان و بهشت نعمت‌های الهی و تکامل ابدی انسان. وظیفه پیامبر را هم تنها انداز کافران شمرده و تصویر خشنی از اسلام و رسالت پیامبر که رحمه للعالمین معرفی شده‌اند (انبیاء/۱۰۷)، ترسیم کرده است (uriRubin, Mu'ammad, 2003, v3, pp442-443). گرچه خود او در سایر بخش‌های مقاله، به القاب پیامبر (بشیر و نذیر و...)، رأفت و رحمت پیامبر و برنامه حیات‌بخش اسلام اشاره‌هایی کرده است (ibid, p446).

ب. پیام آزادی: انسان در نظام تکوین آزاد آفریده شده و در اثبات و نفی، قبول و رد، ایمان و کفر آزاد است؛ اما در نظام تشریع، موظف به ایمان و مکلف به اجتناب از کفر است و هرگز ادله قرآنی و روایی در صدد آزادی تشریعی بشر نیست، وگرنه اصل اباحی‌گری روا خواهد بود (غاشیه/۲۱-۲۲؛ جواد آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۱۳/۴۸۳-۴۸۴).

بنابراین بر اساس معارف بلند قرآنی، نبی اکرم، پیام‌آور آزادی است و بر طبق آنچه در تورات و انجیل هم آمده است، حضرت با دعوت و تبلیغ خود غل و زنجیرهایی را که باعث سنگینی و اسارت درونی و بیرونی انسان می‌شود، از او برمی‌دارند (اعراف/۱۵۷)؛ و انسان را از بندگی هر کسی آزاد می‌کنند، جز خدا که بندگی او عین آزادی است. حق حیات سالم هر انسانی است که از آزادی سرچشمه گرفته از فطرت پاک انسانی برخوردار باشد؛ ولی سرمداران کافر کشورهای غیرمسلمان، این حق را از مردم سلب نموده، با شیوه‌های گوناگون و تبلیغات نادرست خود بر ضد حق، فرصت تفکر صحیح را به آنان نمی‌دهند تا حدی که با فتنه و آشوب، بلاد شرک و کفر را پایه‌گذاری می‌کنند و در این حال است که فرمان «و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً» (انفال/۳۹)، برای از میان برداشتن فتنه، صادر می‌شود تا فطرت اسیر شده مردم آن دیار آزاد شود و سخن منطقی دین به صورت «بلاغ مبین» به آنان عرضه گردد (یس/۱۷)؛ و خود مردم بتوانند چهره واقعی حق را ببینند و آزادانه آن را اختیارکنند (کهف/۲۹). پس، جهاد ابتدایی، برای تحمیل دین بر مردم نیست؛ بلکه ستیزی با سران بی‌منطق کشورهای بی‌دین و با فتنه‌گری و تبلیغات فریبنده و بی‌اساس آنان است. این جهاد با آزادی عقیده منافاتی ندارد؛ بلکه برای مهیاسازی بستر آزادی عقیده است (جواد آملی، ولایت فقیه، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۶).

حال که روشن شد شیوه دعوت پیامبر اسلام، آزادی و انتخاب بر اساس آگاهی است، سستی سخن افرادی مانند «جویلیان» بیشتر مشاهده می‌شود که گفته‌اند: شمشیر محمد و قرآن ... بزرگترین معاند برای تمدن و آزادی و حق است.

۲-۳. جمع بندی ادله قرآنی شیوه تبلیغی پیامبر رحمت در پاسخ به شبهه خشونت و تبلیغ با زور



دعوت پیامبر رحمت، بر هدایت فکری و استدلال، موعظه و جدال احسن استوار بوده و در این شیوه برای آن‌که مردم انتخابی صحیح انجام دهند، به محیطی آرام و به دور از خشونت و فتنه‌گری نیازمند است، از این رو در ابتدا با رفتاری مهربانانه و مملو از عفو و گذشت احتجاج و موعظه کرده تا اتمام حجت شود و زمینه پذیرش فراهم گردد. به همین خاطر پیامبر پس از ورود به مدینه نیز، برای حاکم کردن فضایی آرام و مسالمت‌آمیز با طوایف گوناگون ساکن در مدینه پیمان صلح برقرار کرد تا پیام آزادی با رویکرد انذار و تبشیر بدون هیچ مانعی به افراد منتقل شود؛ اما پس از اتمام حجت بر همگان، باید از صدکنندگان هدایت انسان‌ها جلوگیری می‌شد و شدتی و قهری برخاسته از مهر در پیامبر تجلی می‌یافت.

بنابراین هر غلظتی، مذموم نیست؛ برای مثال شدت به معنای عدالت و صلابت در راستای دفاع از حق و حقوق و نظم جامعه (بقره/۲۲۹) ضروری است؛ سرسختی در برابر دشمنان و حق‌ستیزان و تعدی‌گران به حقوق مردم (فتح/۲۹) برای بازدارندگی از تعدی (حجرات/۹) و ریشه‌کن کردن ظلم و کفر (توبه/۱۲) پسندیده است.

به‌عنوان آخرین راه چاره، قاطعیت و سازش‌ناپذیری در دفاع از دین (تحریم/۹) و سرسختی در برابر خشونت (بقره/۱۹۴)، را هر کسی نیک می‌شمرد و با خشونت به معنای مذموم آن بسیار متفاوت است. گویا مستشرقان شبهه‌افکن در این زمینه میان این دو خشونت، تفکیک قائل نشده‌اند.

نتیجه

بر اساس ادله قرآنی، اصالت رحمت‌بودن پیامبر و دین اسلام، ثابت شد و این امر نشان می‌دهد هر مبلغی نیز بخواهد دین اسلام را تبلیغ کند و گسترش دهد، باید توجه به شیوه دعوت پیامبر و گام‌های آن داشته باشد و مستشرقانی که با دستاویز قراردادن بعضی از آیات در سیره پیامبر، تهمت‌های ناروایی در زمینه گسترش اسلام با زور شمشیر و... زده‌اند، باید بدانند بر اساس همان آیات قرآن گسترش آیین اسلام که موجب حیرت آنان شده، بدون برنامه نبوده است؛ بلکه بر طبق مبانی، اصول و روش‌هایی مشخص از سیره تبلیغی پیامبر بوده است: از جمله ۱. شخصیت رحمانی پیامبر اکرم که برای همگان، نمودی از نرم‌خویی، عفو و حسن معاشرت بوده و مهمترین عامل برای تبلیغ و گسترش اسلام شمرده می‌شود؛ ۲. مبنا و محتوای دعوت پیامبر و گام‌های آن که بر اساس بصیرت و تفکر افزایی، حکمت و موعظه حسنه و جدال احسن بوده و محتوای آن نیز علاوه بر انذار، بشارت‌آفرین است و حاوی پیام آزادی است. چنین سیره‌ای دلیلی محکم بر رد اتهام خشونت در تبلیغ به پیامبر رحمت است

و برای سست کردن پایه تهمت مستشرقان به پیامبر رحمت مبنی بر خشونت و زور در دعوت به دین اسلام، کافی است و علاوه بر گام به گام بودن دعوت حضرت - که اصل اولی بر رحمت و مهربانی است و در صورت ضرورت آخرین حربه پس از اتمام حجت خشونت با معاندان است - بر قوت دلایل فروریختن اتهام خشونت طلبی به پیامبر می افزاید. از طرفی در آخرین حربه هم اگر از امری شدید مانند جنگ و احساس شدت و غلظت مومنان بر کافران (توبه/۱۲۳) استفاده شده، برای دفاع بوده و این امر در نظام کلی، رحمتی برای همگان است؛ زیرا عدالت و نظم را در جامعه به حسب ظرفیت افراد حاکم می کند.

بنا بر مطالب فوق، خاورشناسانی که از روی عمد و یا به دلیل دوری از فرهنگ صحیح اسلامی، در موضوع مورد نظر شبهه و تردید القاء می کنند، در فهم سیره پیامبر به اشتباه رفته اند و یا خود را به غفلت زده اند؛ چراکه دعوت پیامبر رحمت از طریق قلب ها و بیداری فطرت ها، راه خود را می گشود و اسلام را گسترش می داد و نیاز به برندگی شمشیر و زور و اجبار نبود (اداک، رحمت نبوی خشونت جاهلی، ۱۳۹۰/۲۵) چنین پیام آوری الگوی همه انسان ها، در همه زمان ها (احزاب/۲۱) است؛ زیرا مظهر رحمت (انبیاء/۱۰۷)، و خلق عظیم (قلم/۴) در اخلاق فردی و اجتماعی (در برخورد با دوست و دشمن) است. بنابراین حرف جهانی اسلام از ابتدا تا قیامت، فقط صلح دوستی بوده و هست. امید است آموزه های زیبای آن به طور صحیح و در قالب های گوناگون به سراسر جهان منتقل شود و مسلمانان در تبلیغ دین اسلام به پیامبر اکرم تأسی کنند.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات بین المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیرالقرآن العظیم، مکتبه نزار مصطفی الباز، ریاض: چاپ سوم، ۱۴۱۹ ق.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنویر، موسسه التاریخ، بیروت: بی تا.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیرالقرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۹ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۶. اداک، صابر، رحمت نبوی؛ خشونت جاهلی، انتشارات کویر، تهران: چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۷. اندرو ریپین، مصاحبه با اندرو ریپین، ترجمه مرضیه سلیمانی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز پژوهش های ایرانی اسلامی، افق پژوهش های قرآنی در گفتگو با اندرو ریپین، (<https://www.cgie.org.ir/fa/news/216962>، ۱۳۹۷/۷/۲۸)
۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران: ۱۴۱۶ ق.
۹. جوادی آملی، عبدالله، پیامبر رحمت، اسراء، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۵ و ۱۳، اسراء، قم: چاپ پنجم/چاپ سوم، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۸ و ۱۶، اسراء، قم: چاپ سوم/چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (سیره رسول اکرم در قرآن)، ج ۸، ۹، اسراء، قم: چاپ پنجم، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، حماسه و عرفان، اسراء، قم: چاپ هشتم، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، اسراء، قم: چاپ نهم، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. حسینی شیرازی، محمد، تقریب القرآن إلى الأذهان، دارالعلوم، بیروت: ۱۴۲۴ ق.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران: تهران: ۱۳۴۶ ش.
۱۷. سلیم، حسین، قالوا فی الاسلام و القرآن و الرسول، بیروت: رشاد، ۲۰۰۲ م.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۱۹. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، دار ابن کثیر/دارالکلم الطیب، دمشق/بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۲۰. صمیمی، مینو، محمد در اروپا، ترجمه عباس مهرپویا، اطلاعات، تهران: ۱۳۸۲ ش.

۲۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسين، قم: چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، کتابفروشی مرتضوی، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۲۵. عبدالمحمدی، حسین، «نقد دیدگاه مستشرقان درباره جنگ‌های پیامبراعظم (ص)»، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، سال ۷، ش ۱۳، پاییز وزمستان ۱۳۹۱ / ۶۵-۸۶.
۲۶. عیاشی، محمدبن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران ۱۳۸۰ ق.
۲۷. فخررازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۸. قطب، محمد، المستشرقون و الاسلام، قاهره: مکتبه وهبه، ۱۹۹۹ م.
۲۹. قونوی، اسماعیل بن محمد، حاشیة القونوی علی تفسیر البیضاوی، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۳۰. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران: چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، داراحیاء التراث العربی، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. مراد، یحیی، ردود علی شبهات المستشرقین، <https://books-library.online>
۳۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه ونشرکتاب، تهران: ۱۳۶۰ ش.
۳۴. مغنیه، محمدجواد، الکاشف، دارالکتب الإسلامیه، تهران: ۱۴۲۴ ق.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر وهمکاران، نمونه، دارالکتب الإسلامیه، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، دارالقرآن الکریم، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۳۷. مهوری، محمدحسین، «خشونت آخرین راهکار اسلام»، رواق اندیشه، شماره ۱۶، ۱۳۸۲.
۳۸. نظری، مرتضی، بررسی شیوه‌های تبلیغ مسیحیت علیه اسلام، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۷۱.
۳۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر و همکاران، فرهنگ قرآن، بوستان کتاب، قم: چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.



40. Jane Dammen McAuliffe, General Editore Encyclopaedia of the Qurān Brill, Leiden–Boston, 2003.
41. Rizwi Faizer. Expeditions and Battles. General Editore Encyclopaedia of the Qurān Brill, Leiden–Boston, 2003. v2. 143-153.
42. Scholler. Marco. Naḍir/ Najran.. General Editore Encyclopaedia of the Qurān Brill, Leiden–
43. Uri Rubin. Mu'ammad. General Editore Encyclopaedia of the Qurān Brill, Leiden–Boston, 2003. V3. 440-458
44. Ella Landau-Tasseron. Jihad. General Editore Encyclopaedia of the Qurān Brill, Leiden–Boston, 2003. V2. 35-43
45. W. Said Edward. ORIENTALISM. New York. First Vintage Books Edition. 1979.

Resources

- Quran Karim (Translation of the Holy Quran)*: Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Scholars from Al-Mustafa International University, Published by Al-Mustafa International University Publications, Qom. 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
1. Ibn Abi Hatam, Abd al-Rahman ibn Muhammad, *Tafsir al-Quran al-Azim (Interpretation of the Noble Quran)*, Nazar Mustafa al-Baz Library, Riyadh: 3rd Edition, 1419 AH (1998 CE).
 2. Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir, *Al-Tahrir wa al-Tanwir. (A Compilation and Enlightenment)* Matba'at al-Tarikh, Beirut: n.d.
 3. Ibn Kathir, Ismail ibn Umar, *Tafsir al-Quran al-Azim (Interpretation of the Gracious Quran)*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1419 AH (1998 CE).
 4. Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Dar Sader, Beirut: 3rd Edition, 1414 AH (1993 CE).
 5. Adak, Saber, *Rahmat Nabawi; Khoshunat Jahili (Prophetic Mercy; Pre-Islamic Violence)*, Kavir Publications, Tehran: 2nd Edition, 1390 SH (2011 CE).
 6. Andrew Ripin, *An Interview with Andrew Ripin*, Translated by Marziyyeh Suleimani. Markaz Dairat al-Ma'arif-e Bozorg-e Eslami, Markaz Pazhuhesh-ha-ye Iran-e Eslami, Afaq Pazhuhesh-ha-ye Quran'i dar Goftar ba Andrew Ripin, 28/7/1397 SH (20/10/2018 CE), Source: <https://www.cgie.org.ir/fa/news/216962>.
 7. Bahrani, Hashem bin Sulaiman, *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran (The Clear Evidence in Quranic Interpretation)*, Bonyad-e Be'that, Tehran: 1416 AH (1995 CE).
 8. Javadi Amoli, Abdullah, *Payambar Rahmat (Prophet of Mercy)*, Esra, Qom: 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
 9. Javadi Amoli, Abdullah, *Tasnim*, Vol. 5 and 13, Esra, Qom: 5th Edition/3rd Edition, 1389 SH (2010 CE).
 10. Javadi Amoli, Abdullah, *Tasnim*, Vol. 8 and 16, Esra, Qom: 3rd Edition/2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
 11. Javadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Mawdu'i Quran Karim (The Thematic Interpretation of the Noble Quran: The Life of the Noble Prophet in the Quran)*, Vol. 8, 9, Esra, Qom: 5th Edition, 1385 SH (2006 CE).
 12. Javadi Amoli, Abdullah, *Hamaseh va Erfan (Epic and Mysticism)*, Esra, Qom: 8th Edition, 1384 SH (2005 CE).
 13. Javadi Amoli, Abdullah, *Wilayat-e Faqih (Guardianship of the Jurist)*, Esra, Qom: 9th Edition, 1389 SH (2010 CE).
 14. Hosseini Shirazi, Mohammad, *Taqrir al-Quran ila al-Adhhan (Simplifying the Quran for the Intellectuals)*, Dar al-Ilm, Beirut: 1424 AH (2003 CE).



15. Dehkhoda, Ali Akbar, *Loghat-Nameh (Dictionary)*, Tehran University Press, Tehran: 1346 SH (1967 CE).
16. Saleem, Hussein, *Qalu fi al-Islam wa al-Quran wa al-Rasool (What They Said About Islam, Quran and Prophet)*, Beirut: Rashshad, 2002 CE.
17. Suyuti, Abdul Rahman ibn Abi Bakr, *Al-Dur al-Manthur fi Tafsir al-Mathur (The Scattered Pearls in the Interpretation of the Narrated)*, Kitabkhaneh Ayatollah Mar'ashi Najafi, Qom: 1404 AH (1983 CE).
18. Shawkani, Muhammad ibn Ali, *Fath al-Qadeer (The Abundant Victory)*, Dar Ibn Kathir/Dar al-Kalam al-Tayyib, Damascus/Beirut: 1414 AH (1993 CE).
19. Samimi, Minu, *Mohammad dar Europā (Mohammad in Europe)*, Translated by Abbas Mehrpouya. E'tel'at Publications, Tehran: 1382 SH (2003 CE).
20. Tabatabai, Muhammad Hussein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Scale in Quranic Interpretation)*, Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers, Qom: 5th Edition, 1417 AH (1996 CE).
21. Tabarsi, Fadl ibn Hasan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Gathering of Clear Explanations in Quranic Interpretation)*, Naser Khosrow, Tehran: 3rd Edition, 1372 SH (1993 CE).
22. Turaihi, Fakhr al-Din, *Majma al-Bahrain (The Confluence of Two Seas)*, Mortazavi Bookstore, Tehran: 3rd Edition, 1375 SH (1996 CE).
23. Tusi, Muhammad ibn Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Elucidation in Quranic Interpretation)*, Dar Ahya al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
24. Abdalmohammadi, Hussein, *Naqd.i Didegahan.i Moshageran darbareh Janghay-e Payambar.e Azam (Critique of Orientalist Views on the Wars of the Great Prophet)*, Dofaslnameh Quranpazhuhay.e Khavari, Year 7, No. 13, Autumn and Winter 1391 SH (2012 CE), pp. 65-86.
25. Ayyashi, Muhammad ibn Masoud, *Kitab al-Tafsir (The Book of Interpretation)*, Ilmiyyah Press, Tehran, 1380 AH (1961 CE).
26. Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar, *Mafatih al-Ghaib (The Keys to the Hidden World)*, Dar Ahya al-Turath al-Arabi, Beirut: 3rd Edition, 1420 AH (1999 CE).
27. Qutb, Muhammad, *Al-Mustashriqun wa al-Islam (The Orientalists and Islam)*, Cairo: Maktabah Wahbah, 1999 CE.
28. Qunavi, Ismail ibn Muhammad, *Hashiyat al-Quni 'ala Tafsir al-Baydawi (Commentary by Qunavi on Baydawi's Interpretation)*, Dar al-Kitab al-Ilmiyyah, Beirut: 1422 AH (2001 CE).
29. Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub, *Al-Kafi*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 4th Edition, 1407 AH (1986 CE).

30. Majlisi, Muhammad Baqir, *Bihar al-Anwar al-Jami'a li Durar Akhbar al-A'imma al-Athar (The Seas of Lights: A Comprehensive Collection of Traditions about the Infallible Imams)*, Dar Ahya al-Turath al-Arabi, Beirut: 2nd Edition, 1403 AH (1982 CE).
31. Morad, Yahya, *Rudud 'ala Shubhat al-Mustashriqin (Responses to the Doubts of the Orientalists)*, Source: <https://books.library.online/>
32. Mustafavi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (Investigation into the Words of the Noble Quran)*, Bon-e Tarjomeh va Nashr-e Ketab, Tehran: 1360 SH (1981 CE).
33. Mughniyah, Muhammad Jawad, *Al-Kashif (The Unveiling)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1424 AH (2003 CE).
34. Makarem Shirazi, Naser et al., *Namuneh (The Ideal Exegesis)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1374 SH (1995 CE).
35. Makarem Shirazi, Naser, *Tarjomeh-ye Quran (Translation of the Quran)*, Dar al-Quran al-Karim, Qom: 2nd Edition, 1373 SH (1994 CE).
36. Mohouri, Muhammad Hussein, *Khoshunat-e Akharin Rahkareh Islam (The Violence of Islam's Last Solution)*, Ravaq-e Andisheh, No. 16, 1382 SH (2003 CE).
37. Nazari, Mortaza, *Barrasi-e Shiveh-haye Tabligh-e Masihiyat ala Islam (Examination of the Methods of Promoting Christianity against Islam)*, Islamic Preaching Organization, Tehran: 1371 SH (1992 CE).
38. Hashemi Rafsanjani, Akbar at el., *Farhang-e Quran (The Glossary of the Quran)*, Bustan-e Ketab, Qom: 4th Edition, 1386 SH (2007 CE).
39. Jane Dammen McAuliffe, *General Editore Encyclopaedia of the Qurān* Brill, Leiden–Boston, 2003.
40. Rizwi Faizer. *Expeditions and Battles*. General Editore Encyclopaedia of the Qurān Brill, Leiden–Boston, 2003. v2. 143_153.
41. Scholler. Marco, *Naḍir/ Najran*. General Editore Encyclopaedia of the Qurān Brill, Leiden–
42. Uri Rubi, *Mu'ammad*, General Editore Encyclopaedia of the Qurān Brill, Leiden–Boston, 2003. V3. 440_458
43. Ella Landau-Tasseron, *Jihad*, General Editore Encyclopaedia of the Qurān Brill, Leiden–Boston, 2003. V2. 35_43
44. W. Said Edward. *Orientalism*. New York. First Vintage Books Edition. 1979.